

بررسی تأثیر حق الزحمه حسابرسی و سهم مدیران بر اظهار نظر اصلاح شده حسابرس در شرکتهای پذیرفته شده بورس تهران

فرزاد خدابخشی

دانشجوی کارشناسی ارشد گروه حسابداری، واحد الیگودرز، دانشگاه آزاد اسلامی، الیگودرز، ایران
Farzadkhodabakhshi1300@gmail.com

امیرمسعود جهانی

استادیار گروه حسابداری، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران (نویسنده مسئول)
Amir.jahani65@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر حق الزحمه حسابرسی و سهم مدیران بر اظهار نظر اصلاح شده حسابرس در شرکتهای پذیرفته شده بورس تهران می باشد. برای دستیابی به این مهم، شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شدند. از بین شرکتهای موجود تعداد ۹۸ شرکت که اطلاعات آنها طی بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ موجود بود به عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند و مورد تحلیل قرار گرفتند. روش گردآوری داده ها، اسنادی و ابزار گردآوری داده ها شرکتهای اطلاعاتی بورس اوراق بهادار تهران بودند.

به منظور تحلیل داده ها از مدل رگرسیون بلاجیت و نرم افزار Eviews استفاده شد. نتایج به دست آمده گویای با توجه به مدل برآوردی نسبت سهام تمام مدیران در هیئت مدیره با ضریب تأثیر ۰.۴۹، سهم مدیران غیر اجرایی (غیر موظف) در هیئت مدیره با ضریب تأثیر ۲.۱، سهم مجموع مدیران داخلی در هیئت مدیره با ضریب تأثیر ۲.۶، حق الزحمه حسابرسی با ضریب تأثیر ۰.۲ با سطح معنی داری کمتر از ۵ درصد تأثیر معنادار دارند.

واژه های کلیدی: حق الزحمه حسابرسی، سهم مدیران، اظهار نظر اصلاح شده حسابرس، شرکتهای پذیرفته شده بورس تهران، پدل داده.

۱- مقدمه

هر شرکت سهامی به وسیله یک عده اشخاص صاحب سهام اداره می‌شود که قانون عنوان هیئت مدیره را به آنان داده است اعضای این هیئت مدیره هر یک نماینده شرکت هستند یعنی از طرف شرکت نمایندگی دارند که در امور جاری شرکت اقدام نمایند. قوام هر شرکت و سود و منافع آن بیشتر بستگی به عملکرد اعضای هیئت مدیره شرکت دارد. ادبیات تحقیقات موجود نشان دهنده تنش بین مالکیت مدیریتی و خطر حسابرسی است. این تنش با یک ارتباط مثبت در مناطق خاص مالکیت مدیریتی و ارتباط منفی در مناطق دیگر سطح مالکیت مدیریتی مشخص می‌شود. وجود کمیته حسابرسی علاوه بر ارتقاء سطح کیفی مکانیزم حاکمیت شرکتی می‌تواند باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی شود. سان و همکاران (۲۰۱۴). براین اساس، تمرکز این مقاله بر عوامل مالکیت سازمانی است که روی کمیته حسابرسی یک سازمان تاثیر گذار است، از آنجا که کمیته حسابرسی یکی از عوامل کلیدی موفقیت شرکتها در محیط پر رقابت کنونی است، نظام حسابداری و شخصیت سازمانی شرکتها باید بگونه ای باشد که سیستمهای اطلاعاتی شرکت را در جهت ارائه اطلاعات با کیفیت سوق دهد. بررسی نوشتارهای موجود در زمینه ساختار مالکیت و کمیته حسابرسی، نشان دهنده وجود خلاء تحقیقاتی درخصوص تاثیر عوامل مالکیت سازمانی بر کمیته حسابرسی است. بنابراین مطالعه حاضر، تحقیقی است در جهت ارائه الگویی درخصوص ویژگی های کمیته حسابرسی با توجه به اثر برخی از مهمترین عواملی که سازنده شخصیت یک سازمان هستند (زید علی کیانی و همکاران، ۲۰۱۹).

این انگیزه به احتمال زیاد به دلیل ارائه صورت های مالی تحریف شده از سوی مدیران به منظور تلاش برای پنهان کردن اثرات منفی این رفتارها می تواند باشد. صورتهای مالی، بخش اصلی فرایند گزارشگری مالی را تشکیل می‌دهد. مسئولیت تهیه صورتهای مالی طبق استانداردهای حسابداری ایران، به عهده هیئت مدیره شرکت است؛ این مسئولیت شامل طراحی، اعمال و حفظ کنترلهای داخلی مربوط به تهیه صورتهای مالی است به گونه‌ای که این صورتهای عاری از تحریف با اهمیت ناشی از تقلب یا اشتباه باشد. هدف حسابرس، افزایش میزان اطمینان استفاده‌کنندگان به صورتهای مالی است. این هدف با اظهارنظر حسابرس نسبت به اینکه آیا صورتهای مالی از تمام جنبه های با اهمیت، طبق چارچوب گزارشگری مالی مربوط تهیه شده است یا خیر، تأمین می‌شود. انجام حسابرسی طبق استانداردهای حسابرسی و رعایت الزامات آیین رفتار حرفه‌ای، مبنای لازم را برای اظهارنظر حسابرس فراهم می‌کند. استانداردهای حسابرسی

به عنوان مبنایی برای اظهارنظر حسابرس، وی را ملزم می‌کند نسبت به عاری بودن صورتهای مالی، به عنوان یک مجموعه واحد، از تحریف بااهمیت ناشی از تقلب یا اشتباه اطمینان معقول کسب کند. اطمینان معقول، سطح بالایی از اطمینان است. اطمینان معقول زمانی بدست می‌آید که حسابرس برای کاهش خطر حسابرسی به یک سطح پایین قابل قبول، شواهد حسابرسی کافی و مناسب کسب کند (خطر حسابرسی به معنی اظهارنظر نامناسب حسابرس نسبت به صورتهای مالی حاوی تحریف بااهمیت است). حسابرس باید به آثار موارد عدم رعایت بر سایر جنبه های حسابرسی، شامل ارزیابی حسابرس از خطر حسابرسی و قابل اتکا بودن تأییدیه کتبی، توجه کند و اقدامات مناسب را انجام دهد (سازمان حسابرسی). تحقیقات موجود نشان می‌دهد که شرکت های حسابرسی بزرگتر نسبت به شرکتهای حسابرسی کوچکتر، حسابرسی با کیفیت بالاتری ارائه می‌دهند. این امر معمولاً ناشی از سرمایه گذاری بزرگتر در تخصص حسابرسی است که موسسات حسابرسی بزرگتر نسبت به همتایان کوچکتر خود انجام می‌دهند (رینزبوری و دیگران، ۲۰۰۹). همچنین تحقیقات حسابرسی موجود ثابت کرده است که حق الزحمه حسابرسی که توسط حسابرسان به مشتری اعمال می‌شود، مستقیماً با تلاش حسابرس و خطر ارزیابی شده توسط حسابرس مرتبط است (لونتیس و همکاران، ۲۰۱۱). بنابراین در این پرسش به این سوال پاسخ داده می‌شود که تاثیر حق الزحمه حسابرسی و سهم مدیران بر اظهارنظر اصلاح شده حسابرس در شرکتهای پذیرفته شده بورس تهران چگونه می‌باشد؟

۲- مبانی نظری مالکیت مدیریتی

مالکیت مدیریتی بعنوان درصد سهام متعلق به مدیران شرکت تعریف می‌شود. در این صورت سطوح مالکیت مدیریتی متفاوت خواهد بود. مالکیت مدیریتی می‌تواند به عنوان معیاری برای اندازه گیری تضاد منافع بین مدیران و سایر سهامداران بکار رود (جنسن و همکاران، ۱۹۷۶). نظریه نمایندگی نشان می‌دهد که مالکیت مدیریتی می‌تواند به عنوان مکانیسمی برای تقویت تراز منافع مدیران با سهامداران مورد استفاده قرار گیرد. مالکیت مدیریتی می‌تواند انگیزه هایی برای حل مناقشات نمایندگی و کاهش هزینه های نمایندگی ایجاد کند (دیسیندر و همکاران، ۲۰۱۳). مسئولیت تهیه صورتهای مالی طبق استانداردهای حسابداری ایران، به عهده هیئت مدیره شرکت است؛ این مسئولیت شامل طراحی، اعمال و حفظ کنترلهای داخلی مربوط به تهیه صورتهای مالی است به گونه‌ای که این صورتهای عاری از تحریف بااهمیت ناشی از تقلب یا اشتباه باشد. تراز منافع بین مدیران و سهامداران با فرضیه همگرایی منافع توصیف می‌شود

شرکتها وجود داشته و ثانیاً سرمایه گذاران نهادی (اشخاص حقوقی) در نظارت بر عملکرد موسسه موثرتر از سهامداران دولتی و انفرادی هستند (ژو، وانگ، ۱۹۹۹: ۷۷). اما در عین حال مطالعات انجام شده در ایالات متحده و چند کشور توسعه یافته دیگر اغلب به نتایج متضادی منتج شده است. مرکز توجه تحقیقات انجام شده در این مورد تئوری نمایندگی است که در واقع به توضیح تضاد منافع بین تصمیم گیرندگان داخلی و سهامداران خارجی می پردازد.

۲-۱- ترکیب مالکیت و سهامداری مدیران

در میان سهامداران درونی آنچه مورد توجه کارشناسان و از نکات چالش برانگیز در مبحث حاکمیت شرکتی است عمدتاً سهم مدیران از مالکیت شرکت است زیرا این گروه از یک سو به اطلاعات درونی و اخبار پنهانی شرکت دسترسی دارند و از سوی دیگر از قدرت تصمیم گیری برخوردارند. به همین دلیل حساسیت اصلی در رابطه با مالکیت افراد داخل سازمان، اغلب بیش از سایر کارکنان، معطوف مدیران رده های مختلف می باشد؛ اگرچه لاقلاً بخشی از کارکنان هر شرکت در زمره دارندگان اطلاعات نهانی قرار دارند و رفتارهای معاملاتی آنها نیز باید به دقت مورد توجه دست اندکاران و فعالان بازار قرار گیرد. در این رابطه مطالعه ای که در ژاپن صورت گرفته بیانگر این بوده است که در کل افزایش مالکیت سهامداران داخلی موجب کاهش تضاد منافع بین مدیران و سهامداران می شود و مالکیت اعضای هیأت مدیره بر عملکرد شرکت تأثیر مثبت دارد. به عبارت دیگر، برخلاف ایالات متحده، عملکرد شرکت های ژاپنی به موازات افزایش مالکیت مدیران افزایش می یابد (پوشنر، ۱۹۹۳).

در خصوص تأثیر مالکیت مدیران بر عملکرد و ارزش یک شرکت تاکنون تحقیقات نسبتاً گسترده ای در کشورهای مختلف انجام شده است و در مجموع پژوهشگران به نتایج مختلف و بعضاً متضاد رسیده اند. از میان تئوری هایی که بر اساس یافته های پژوهشی از سوی صاحب نظران ارایه شده است فرضیه های همگرایی منافع و تثبیت جایگاه مدیران از برجستگی و اهمیت بیشتری برخوردارند که نکات اصلی و قابل توجه این دو فرضیه به شرح زیر مورد توجه قرار می گیرد.

هیئت مدیره یکی از ارکان راهبری شرکت های سهامی است. رکن اداره کننده و به عبارت دیگر قوه مجریه شرکت های سهامی اعضای هیأت مدیره آن هستند. طبق مفاد ماده ۱۰۷ قانون تجارت هیئت مدیره شرکت های سهامی از میان صاحبان سهام انتخاب می شوند بنابراین در زمان برگزاری مجمع عمومی برای انتخاب مدیران، مدیر منتخب حداقل باید دارای یک سهم

(مورک و همکاران، ۱۹۸۸). بر این اساس، با افزایش مالکیت مدیریتی در شرکت، هزینه های نمایندگی کاهش می یابد (چو و همکاران، ۲۰۰۶). سایر سهامداران تصور می کنند که مدیران با سهام زیاد، به شیوه هایی عمل می کنند که ارزش شرکت و عملکرد آن را به حداکثر می رسانند (ابوت و همکاران، ۲۰۰۳). و در منطقه سنگربندی مالکیت مدیریتی، انگیزه هایی برای مدیران وجود دارد که در جهت افزایش منافع شخصی خود نسبت به سایر سهامداران باشند (کیم و لو، ۲۰۱۱). این انگیزه به احتمال زیاد به دلیل ارائه صورت های مالی تحریف شده از سوی مدیران به منظور پنهان کردن اثرات منفی این رفتارها می تواند باشد.

رابطه بین مالکیت (شامل ترکیب و تمرکز مالکیت) با بازدهی همواره از جمله موضوعات مطرح در حوزه ادبیات مالی بوده است. برای اولین بار برل و مینز در سال ۱۹۳۲، به دنبال مطالعات انجام شده پی به وجود یک رابطه معکوس بین پراکندگی سهامداران و عملکرد موسسات بردند. با وجود آنکه نتایج پژوهشهای آنان در سال ۱۹۸۳ توسط دمستر به چالش کشیده شد، ولیکن مطالعه مزبور سرآغاز بحثها و تحقیقات متعددی قرار گرفت که بعدها توسط محققین در کشورهای مختلف با بنیادهای اقتصادی و سطوح متفاوت توسعه یافتگی انجام گردید. در طی این سالها مطالعات انجام شده در حوزه ساختار مالکیت با تأکید بر دو رویکرد اصلی انجام گردید:

(الف) اثر و نقش نوع مالکیت بر بازدهی و ارزش شرکتها

(ب) اثر و نقش میزان تمرکز بر بازدهی و ارزش شرکتها (محمدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۰).

در بررسی های انجام شده بر حول محور نوع مالکیت، به مطالعه نقش انواع مختلف مالکیت نظیر مالکیت دولتی، مالکیت نهادی، مالکیت شرکتی، مالکیت انفرادی و فامیلی، مالکیت خارجی، مالکیت مدیریتی و انواع دیگر مالکیت بر بازدهی شرکتها پرداخته شد. از جمله موارد مهم مطرح شده در این حوزه توجه به بازدهی اقتصادی نسبتاً پایین شرکتهای دولتی بود. به موازات توجه به مسئله نوع مالکیت و نقشی که ممکن است بر بازدهی شرکتها داشته باشد، محققین مطالعات دامنه داری را در رابطه با اثرات احتمالی مالکیت کنترلی یا متمرکز بر عملکرد موسسات انجام دادند. بررسی های انجام شده در این راستا، عواملی نظیر احتمال وجود همگرایی منافع در مالکیت متمرکز بین مالک و مدیر و همچنین توانایی نظارت بالای مدیریت متمرکز را از جمله دلایلی عنوان نمودند که می تواند به بهبود عملکرد موسسات منجر گردد. عمده مطالعات انجام شده در اقتصادهای نوظهور و همچنین در کشورهایی با بازارهای سهام کمتر توسعه یافته نشان می دهد که اولاً رابطه مثبتی بین تمرکز مالکیت و عملکرد

موظف شدن اعضای هیئت‌مدیره، صرفاً پس از تصویب هیئت‌مدیره امکان‌پذیر خواهد بود و مدیر ذینفع در این تصمیم‌گیری حق رأی ندارد. در ترکیب هیئت‌مدیره، باید حداقل یک عضو مستقل مالی یا غیرموظف مالی حضور داشته باشد که دارای تحصیلات مالی (حسابداری، مدیریت مالی، اقتصاد، و سایر رشته‌های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصاد) و تجربه مرتبط باشد. هیئت‌مدیره مسئول تدوین و پیاده‌سازی منشور اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای در شرکت می‌باشد. منشور اخلاقی شامل التزام به صداقت، درستکاری، اعتقاد و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی می‌باشد. هیئت‌مدیره باید کنترل داخلی اثربخش را به منظور اطمینان‌بخشی معقول از حفاظت از داراییها و منابع شرکت در برابر اتلاف، تقلب و سوء استفاده، تحقق کارایی و اثربخشی عملیات شرکت، کیفیت گزارشگری مالی و رعایت قوانین و مقررات، مطابق با ضوابط و مقررات سازمان برقرار نماید. همچنین واحد حسابرسی داخلی را مطابق با ضوابط و مقررات سازمان تشکیل و مورد نظارت قرار دهد و سیستم کنترل‌های داخلی را حداقل به طور سالانه بررسی و نتایج آن را در گزارشی تحت عنوان "گزارش کنترل‌های داخلی" درج و افشا نماید. حسابرس مستقل شرکت موظف است در گزارش خود به مجمع عمومی صاحبان سهام در خصوص استقرار و به کارگیری سیستم کنترل‌های داخلی مناسب و اثربخش توسط شرکت مطابق با ضوابط و مقررات سازمان، اظهار نظر کند.

۲-۲- فرضیه تثبیت جایگاه مدیران

این فرضیه در مقابل فرضیه همگرایی منافع قرار دارد به این ترتیب که معتقد است پراکندگی و عدم تمرکز مالکیت سهام شرکت و کاهش سهم مدیران از مالکیت نمی‌تواند دلیل محکمی برای بی‌انگیزگی مدیران در حداکثر کردن ارزش شرکت و عملکرد ضعیف آنان باشد. این فرضیه که از سوی دمستز در سال ۱۹۸۳ مطرح و توسط محققان دیگر پی‌گیری و بررسی بیشتری گردید با طرح موضوع نظم بازار و بازار کار مدیران معتقد است وجود رقابت در بازار کار مدیران آنان را وادار می‌سازد به رغم مالکیت درصد اندکی از شرکت و عدم انطباق کامل منافع مدیر و سهامداران، مدیران با انگیزه حفظ پست و کسب موقعیت‌های بهتر و بالاتر در دنیای رقابت کاری، حداکثر تلاش خود را برای تأمین منافع سهامداران به کار گیرند. حال اگر مدیر بخش عمده‌ای از سهام را در اختیار داشته باشد به نحوی که با برخورداری از حق رأی کافی بتواند موقعیت خود را در شرکت حفظ نماید شاید انگیزه حالت قبل را برای به کارگیری حداکثر تلاش خود نداشته باشد. به این ترتیب در صورت تملک بیشتر مدیران در شرکت حتی ممکن است ارزش شرکت کمتر

از سهام شرکت باشد و اگر طبق اساسنامه تعداد سهام وثیقه مدیران از یک سهم بیشتر باشد بر اساس ماده ۱۱۵ قانون تجارت، از تاریخ انتخاب یک ماه فرصت دارد تا نسبت به تکمیل آن اقدام نماید.

هیئت‌مدیره مسئول راهبری شرکت می‌باشد. مسئولیت هیئت‌مدیره شامل تعیین اهداف راهبردی شرکت، هدایت و رهبری شرکت در جهت تحقق اهداف مذکور، نظارت بر مدیریت اجرایی شرکت و ارائه گزارش به سهامداران و سایر ذی‌نفعان در چارچوب مقررات می‌باشد. هیئت‌مدیره باید نسبت به ایجاد، استمرار و تقویت سازوکارهای اثربخش جهت کسب اطمینان معقول از محقق شدن اصول راهبری شرکتی به شرح زیر، اقدام نماید.

- (الف) رعایت حقوق سهامداران و برخورد منصفانه با آن‌ها: برخورد منصفانه و مستقل با تمام سهامداران شامل سهامداران اقلیت و خارجی و تسهیل فرایندهای اعمال و احقاق حقوق توسط سهامداران
- (ب) افشا و شفافیت: سلامت گزارشگری مالی، افشای منصفانه، قابل اتکا، به موقع و قابل فهم تمام وقایع و تصمیمات با اهمیت شرکت از جمله وضعیت مالی، عملکرد، مالکیت و راهبری شرکتی
- (ج) پاسخگویی: نظارت اثربخش هیئت‌مدیره بر مدیریت اجرایی و پاسخگویی هیئت‌مدیره در برابر سهامداران
- (د) درستکاری: تبیین ارزش‌های شرکتی و اخلاق حرفه‌ای و پایبندی هیئت‌مدیره، مدیریت و کارکنان شرکت نسبت به آن‌ها.

اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل برای ایفای مسئولیت‌های خود در شرکت و در راستای رعایت ضوابط و الزامات قانونی باید دارای تحصیلات، تجربه، حسن سابقه و مدارک حرفه‌ای مربوط و معتبر بوده و از دانش و مهارت کافی برخوردار باشند. تعداد اعضای هیئت‌مدیره باید به میزانی باشد که امکان انجام بحث‌های سودمند و تصمیم‌گیری منطقی و همچنین نظارت کافی در ارتباط با امور شرکت فراهم باشد. اکثریت اعضای هیئت‌مدیره باید غیرموظف باشند و تعداد اعضای مستقل هیئت‌مدیره نباید کمتر از ۲۰ درصد تعداد کل اعضای هیئت‌مدیره باشد

تعداد اعضای هیئت‌مدیره برای شرکت‌های بزرگ، طبق اعلام سازمان بورس و اوراق بهادار، حداقل هفت نفر می‌باشد و تعداد اعضای مستقل در شرکت‌ها به تشخیص و اعلام هیئت‌مدیره سازمان قابل افزایش است. اعضای هیئت‌مدیره باید دارای زمان کافی برای اختصاص دادن به جلسات هیئت‌مدیره و همچنین ایفای اثربخش مسئولیت‌های خود باشند.

ارزش شرکت ممکن است کمتر از گزارش شده باشد). بنابراین احتمالاً با افزایش مالکیت مدیریتی در منطقه سنگربندی مالکیت، ریسک خاص مشتری ارزیابی شده توسط حسابرسان افزایش می یابد (شان و همکاران، ۲۰۱۴). ادبیات تحقیقات موجود نشان می دهد که وقتی مالکیت مدیریتی در مناطق همگرایی منافع قرار دارد، بعید است مدیران انگیزه رفتارهای فرصت طلبانه داشته باشند. در این شرایط، مشوق هایی برای مدیران وجود دارد تا فعالیت هایی را در جهت افزایش ارزش شرکت انجام دهند و اطلاعات با کیفیت و مرتبط با ارزش شرکت را در صورت های مالی گزارش دهند. در این صورت این احتمال وجود دارد با افزایش مالکیت مدیریتی در این مناطق، خطر ذاتی ادعاهای با اهمیت در صورتهای مالی کاهش یابد در نتیجه، حسابرسان ممکن است سطح پایین تر از ریسک خاص مشتری و کاهش تلاش حسابرسی کلی را انتظار داشته باشند. فرضیه همگرایی منافع حاکی از این است که ارزش بازار یک شرکت باید افزایش یابد زیرا مدیریت شرکت، صاحب بخش فزاینده ای از شرکت است. از سوی دیگر، فرضیه سنگربندی نشان می دهد که با افزایش مالکیت مدیریتی، انگیزه به حداکثر رساندن ارزش شرکت کاهش می یابد زیرا نظم بازار در برابر یک مدیر سهامدار بزرگتر کمتر می شود (جنسن و مکلینگ، ۱۹۷۶). در شرکت هایی که مدیران از جایگاه بالاتری برخوردار هستند، توانایی ترغیب هیئت مدیره برای بکارگیری حسابرسان با کیفیت حسابرسی پایین تر را دارند و از طرفی، سهامداران این شرکت ها نیز مایل به کاهش نظارت خارجی بر تصمیمات اتخاذ شده در درون شرکت می باشند. بنابراین، کاهش کیفیت حسابرسی انجام شده توسط حسابرسان یکی از راه های کاهش این نظارت است (خواجوی و زارع، ۱۳۹۰).

زمانی که پرداخت پاداش براساس سودآوری باشد علی رغم مزایای بالای آن ممکن است که موجب دست کاری سود شود. با دست کاری سود، حسابرسان با برای کشف موارد دست کاری شده ریسک بالاتری مواجه می شوند (پالمروس و همکاران، ۲۰۰۴). به دلیل ریسک مدیریت سود و تأثیر آن بر پاداش مدیریت، استانداردهای پذیرفته شده حسابرسی آمریکا بیان می کند حسابرسان باید پاداش های مدیران را بررسی کنند. هدف از این شناخت تعیین ریسک اشتباهات با اهمیت است. بنابراین، حسابرسان باید تلاش خود را بر مبنای تجزیه و تحلیلش از ماهیت پاداش تعدیل کند (ویتینگتون و همکاران، ۲۰۰۴)

مدیران ممکن است برای دستیابی به دارایی ها و ایجاد ساختار حاکمیتی دارای انگیزه های مالی یا غیر مالی باشند. برخی از مدیران می توانند برای ریاست سازمان های گسترده درخواست پاداش بیشتری کنند. در جریان ایجاد این ساختار

از حالتی باشد که مدیران درصد بسیار کمی از سهام را در اختیار دارند. براساس این فرضیه، هنگامی که درصد مالکیت مدیران از حد معینی بالاتر برود تأثیر مالکیت آنان بر عملکرد شرکت به تدریج ضعیف تر خواهد شد. به عبارت دیگر، افزایش مالکیت مدیران موجب کم رنگ شدن اثرات نظارت خارجی، تثبیت هر چه بیشتر موقعیت مدیران و کم توجهی آنان به انطباق و مقررات بازار سرمایه خواهد شد و این مسئله آثار منفی برای ارزش شرکت به دنبال دارد (نا، ۲۰۰۲). مطالعات مختلف نشان می دهند که اثر تثبیت جایگاه مدیران در کشور ژاپن در مقایسه با آمریکا از اهمیت کمتری برخوردار است.

در مقایسه بین دو فرضیه همگرایی منافع با ادعای وجود رابطه مثبت بین مالکیت مدیران و عملکرد و ارزش شرکت از یک سو و فرضیه تثبیت موقعیت مدیران با ادعای وجود رابطه منفی بین مالکیت مدیران و عملکرد شرکت از سوی دیگر، شاید بتوان گفت که همگرایی منافع از استدلال و پایه تئوریک قوی تر برخوردار است زیرا اگر عملکرد مدیر مطلوب و قابل قبول سهامداران باشد صرف نظر از درصد مالکیت مدیر، می تواند تثبیت جایگاه وی را به دنبال داشته باشد و در مقابل، عملکرد ضعیف مدیر حتی با داشتن مالکیت بالا ممکن است به دلایل مختلف از قبیل موضع گیری هماهنگ سهامداران دیگر، حساس شدن سهامداران نهادی و حتی در مواردی تهدید به قبضه مالکیت شرکت از سوی شرکت های قوی تر، موضعیت مدیر را متزلزل نماید. فرضیه همگرایی منافع به رابطه مثبت یکنواخت بین دو پدیده مالکیت مدیران و عملکرد شرکت می پردازد اما فرضیه تثبیت موقعیت مدیران عمدتاً به شرایط بازار و ارزیابی سرمایه گذاران بالقوه از اثرات مالکیت مدیران توجه می کند (نا، ۲۰۰۲).

۳-۲- مالکیت مدیریتی و اظهار نظر حسابرسی

در این بخش، چشم انداز حسابرسان را در مورد چگونگی منطقه ای که مالکیت مدیریتی در آن قرار دارد و می تواند در خطر ارزیابی شده توسط حسابرسان از مشتری تأثیر بگذارد مورد بررسی قرار می گیرد و در نهایت بر حق الزحمه های حسابرسی اعمال شده تأثیر می گذارد (لین و لیو، ۲۰۱۳). هنگامی که مالکیت مدیریتی در منطقه سنگربندی است، خطر ذاتی ادعاهای با اهمیت در صورتهای مالی احتمالاً با مالکیت مدیریتی در منطقه همگرایی منافع متفاوت خواهد بود. به طور خاص، مدیران در منطقه سنگربندی انگیزه و دامنه بیشتری برای رفتارهای فرصت طلبانه دارند این نشان می دهد که اطلاعات صورتهای مالی گزارش شده توسط شرکت ها ممکن است لزوماً ارزش اقتصادی پایین شرکت را منعکس نکند (بعنوان مثال،

دارند اما تعداد جلسات کمیته و تخصص اعضای کمیته بر افشای داوطلبانه تأثیری ندارند.

آدین (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «تأثیر مالکیت دولتی سهام بر ریسک‌پذیری شرکتی: مطالعه موردی UAE» با استفاده از اطلاعات ۱۰۸ شرکت در UAE طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ به بررسی تأثیر مالکیت دولتی سهام بر ریسک‌پذیری شرکت‌ها پرداختند. برای این منظور از مدل پانل دیتا استفاده کردند. آن‌ها برای سنجش ریسک‌پذیری از نوسانات سود، انحراف سود، تداخل نوسانات سود، انحراف مربع سود استفاده کردند. برای اندازه‌گیری سود از شاخص بازده کل دارایی که به صورت سود قبل از کسر بهره و مالیات به بازده کل دارایی تعریف کردند، استفاده کردند. نتایج نشان دادند که رابطه غیرخطی بین مالکیت سهام و ریسک‌پذیری شرکت وجود دارد. لیونتیس (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «آزمایش تجربی الزام اجرایی کمیسیون بورس و اوراق بهادار در بازار حسابرسی» در فرضیه خود با یافته‌هایی نشان می‌دهد که موسسات حسابرسی به شرکت‌هایی که احتمال الزام اجرایی بالاتری دارند، هزینه‌های حسابرسی به مراتب بالاتر را شامل می‌شوند. بنابراین، قیمت حسابرسی زمانی افزایش می‌یابد که حسابرسان ریسک حسابرسی قابل توجهی را برای شرکت‌هایی که برجستگی بیشتری در رادار کمیسیون بورس و اوراق بهادار دارند، ارزیابی نمایند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت الزامات اجرایی کمیسیون بورس و اوراق بهادار، نیاز سهامداران برای تحمل هزینه‌های نمایندگی را افزایش می‌دهد.

سانتانو میترا و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «تأثیر مالکیت سهام مدیریتی بر رابطه ضعف کنترل با اهمیت و حق الزحمه حسابرسی» برای شرکت‌های دارای مالکیت سهام پایین مدیریتی (حداکثر ۵ درصد سهامداری سهام)، تأثیر معنی داری از مالکیت مدیریتی بر رابطه مثبت بین حق الزحمه‌های حسابرسی و ضعف کنترل با اهمیت می‌یابند. با این وجود، تأثیر مالکیت سهام مدیریتی بر رابطه بین ضعف کنترل با اهمیت و حق الزحمه‌های حسابرسی وقتی که مالکیت مدیریتی متوسط باشد، یعنی بیش از ۵ درصد و کمتر از یا مساوی ۲۵ درصد از سهام باشد، بطور قابل توجهی مثبت است و اثر مالکیت مدیریتی حتی بیشتر است وقتی مالکیت سهام مدیریتی بالا باشد (یعنی بیش از ۲۵ درصد سهام). نتیجه به ویژه برای شرکت‌های دارنده ضعف کنترل با اهمیت با مالکیت بالای سهام مدیریتی قوی است (یعنی جایی که مدیران بیش از ۲۵ درصد سهام شرکت‌ها را دارند). تجزیه و تحلیل‌های اضافی بیشتر نشان می‌دهد که این اثر مالکیت مدیریتی زمانی برجسته تر می‌شود که شرکت‌ها از

حاکمیتی، پیچیدگی سازمان ممکن است که بیشتر شود. این ساختار بیان می‌کند که پیچیدگی سازمان نتیجه‌ی مشکلات نمایندگی مدیریت است که از درون شرکت نشأت می‌گیرد. صرف نظر از جایگاه ایجاد ساختار حاکمیتی، حق الزحمه‌های حسابرسی نیز به خاطر افزایش پیچیدگی-های شرکت افزایش می‌یابد. بنابراین، ساختار حاکمیتی مدیریت باعث ایجاد این ذهنیت می‌شود که پاداش مدیر با حق الزحمه حسابرس مرتبط است (ویسوکو، ۲۰۱۰).

پیشینه مطالعات لیونتیس (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «آزمایش تجربی الزام اجرایی کمیسیون بورس و اوراق بهادار در بازار حسابرسی» در فرضیه خود با یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که موسسات حسابرسی به شرکت‌هایی که احتمال الزام اجرایی بالاتری دارند، هزینه‌های حسابرسی به مراتب بالاتر را شامل می‌شوند. بنابراین، قیمت حسابرسی زمانی افزایش می‌یابد که حسابرسان ریسک حسابرسی قابل توجهی را برای شرکت‌هایی که برجستگی بیشتری در رادار کمیسیون بورس و اوراق بهادار دارند، ارزیابی نمایند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که احتمال افزایش الزامات اجرایی کمیسیون بورس و اوراق بهادار، نیاز سهامداران برای تحمل هزینه‌های نمایندگی را افزایش می‌دهد. رینا و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «جریانهای نقد آزاد مازاد، مدیریت سود و کمیته حسابرسی» به این پرداختند که چه قدر جریان نقد آزاد مازاد به مدیریت سود مربوط است. در این مطالعه فرض بر این است که مدیران شرکت‌هایی که از جریانهای نقدی آزاد بالایی برخوردارند شدت عمل خوبی در اداره مدیریت سود دارند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کمیته حسابرسی مستقل به شرکت‌های دارای جریان نقدی آزاد، کمک میکند تا بر رویه‌های مدیریت سود نظارت داشته باشد. مطالعه المتر و همکاران (۲۰۱۴) ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و سایر مدیران را بر شرکت‌های عمان بررسی می‌کند. در این مطالعه اطاعات متشکل از ۱۶۱ شرکت غیر مالی استفاده می‌شود، نتایج نشان داد رابطه مثبت بین اندازه کمیته حسابرسی و استقلال آن و سرمایه‌گذاری وجود دارد از تئوری Q توبین در این تحقیق استفاده شده است، طبق نتایج این تحقیق رابطه مثبت اما ناچیز بین دوره کمیته حسابرسی و سایر مدیران با عملکرد شرکت با تئوری Q توبین بدست آمده است. هیشام و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر افشای داوطلبانه‌ی شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار مالزی پرداختند. متغیرهای توضیحی مورد مطالعه‌ی آنها شامل کمیته حسابرسی، تعداد جلسات کمیته و اندازه‌ی کمیته حسابرسی بود. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که استقلال کمیته و اندازه‌ی کمیته با افشای داوطلبانه رابطه‌ی مستقیم

اثر مالکیت مدیریتی زمانی برجسته تر می شود که شرکت ها از ضعف های کنترل با اهمیت در سطح شرکت رنج می برند که تأثیر منفی فراگیر بر کیفیت گزارشگری مالی دارند.

نادی و ساعدی (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر فاصله مکانی بین مؤسسه حسابرسی و شرکت بر تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی و تغییر حسابرسان در شرکت ها پرداختند. نمونه آماری پژوهش مشتمل بر ۷۲۸ سال - شرکت از شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران، طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ و داده های مورد نیاز مربوطه از طریق اطلاعات منتشره شرکت ها در سایت کدال و همچنین داده های موجود در نرم افزار ره آورد نوین و تدبیر پرداز و و نیز داده های مربوط به فاصله مکانی میان مؤسسه حسابرسی و شرکت از طریق سایت گوگل میپس جمع آوری و با استفاده از نرم افزار اکسل تلخیص و جمع بندی و سپس با استفاده از نرم افزار ایویوز ۸ و از طریق رگرسیون لجستیک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته های حاصل از این پژوهش نشان داد، فاصله مکانی میان مؤسسه حسابرسی و شرکت بر تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی تأثیر مثبت و معنادار ولی بر تغییر حسابرسان تأثیر معناداری ندارد.

غفوریان و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین اندازه مؤسسه حسابرسی و ضعف مدیریتی در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. این پژوهش، یک تحقیق تجربی در حوزه تحقیق های اثباتی حسابداری است که مبتنی بر اطلاعات واقعی صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. این پژوهش از نظر رابطه بین متغیرها علی، از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی همبستگی می باشد که در آن برای تأیید یا رد فرضیات از اطلاعات تاریخی شرکت ها و روش های آماری استفاده می شود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی شرکت های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران که پس از نمونه گیری، بالغ بر ۱۲۰ شرکت و در یک دوره زمانی ۹ ساله از سال ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۹ است، می باشد. روش آزمون فرضیات در مطالعه حاضر استفاده از رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته و با بهره گیری از نرم افزار ایویوز بوده است. نتایج آزمون فرضیه ها نشان می دهد که رابطه معناداری بین اندازه مؤسسه حسابرسی و ضعف مدیریتی وجود ندارد. همچنین متغیر تعدیل گر مالکیت نهادی بر رابطه بین اندازه مؤسسه حسابرسی و ضعف مدیریتی تأثیر گذار نمی باشد. سرمایه گذاران می بایست به سایر عواملی که بر ضعف مدیریتی تأثیر گذار می باشند توجه نمایند که از جمله این عوامل می توان به اهرم شرکت اشاره نمود.

ضعف های کنترل با اهمیت در سطح شرکت رنج می برند که تأثیر منفی فراگیر بر کیفیت گزارشگری مالی دارند.

باتاگلیا و گالو (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «قدرت هیئت مدیره، تمرکز مالکیت و ریسک پذیری سیستمیک بانک- های اروپایی: مستنداتی از بحران مالی» با اشاره به مطالعات انجام شده در زمینه رابطه بین هیئت مدیره بانک و ریسک پذیری و نقش بحران مالی در این رابطه، به بررسی نقش تمرکز مالکیت و توان هیئت مدیره بر رفتار ریسک پذیری بانکها در شرایط بحران پرداختند. نمونه مورد بررسی آنها شامل اطلاعات ۴۰ بانک اروپایی طی سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ بود. برای تحلیل داده ها از مدل رگرسیونی پانل استفاده کردند. نتایج تحقیق گویای این مطلب بودند که ویژگی های هیئت مدیره بر رفتار ریسک پذیری بانکها تأثیر دارد، به استثنای استقلال هیئت مدیره و این رابطه بستگی به تعدیلات سرمایه، ساختار مالکیت بانک و محدودیت فعالیت بانک دارد.

لیونتیس (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «آزمایش تجربی الزام اجرایی کمیسیون بورس و اوراق بهادار در بازار حسابرسی» در فرضیه خود با یافته هایی نشان می دهد که موسسات حسابرسی به شرکتهایی که احتمال الزام اجرایی بالاتری دارند، هزینه های حسابرسی به مراتب بالاتر را شامل می شوند. بنابراین، قیمت حسابرسی زمانی افزایش می یابد که حسابرسان ریسک حسابرسی قابل توجهی را برای شرکتهایی که برجستگی بیشتری در رادار کمیسیون بورس و اوراق بهادار دارند، ارزیابی نمایند. بنابراین می توان نتیجه گرفت که احتمال افزایش الزامات اجرایی کمیسیون بورس و اوراق بهادار، نیاز سهامداران برای تحمل هزینه های نمایندگی را افزایش می دهد.

سانتانو میترا و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر مالکیت سهام مدیریتی بر رابطه ضعف کنترل با اهمیت و حق الزحمه حسابرسی» برای شرکت های دارای مالکیت سهام پایین مدیریتی (حداکثر ۵ درصد سهامداری سهام)، تأثیر معنی داری از مالکیت مدیریتی بر رابطه مثبت بین حق الزحمه های حسابرسی و ضعف کنترل با اهمیت می یابند. با این وجود، تأثیر مالکیت سهام مدیریتی بر رابطه بین ضعف کنترل با اهمیت و حق الزحمه های حسابرسی وقتی که مالکیت مدیریتی متوسط باشد، یعنی بیش از ۵ درصد و کمتر از یا مساوی ۲۵ درصد از سهام باشد، بطور قابل توجهی مثبت است و اثر مالکیت مدیریتی حتی بیشتر است وقتی مالکیت سهام مدیریتی بالا باشد (یعنی بیش از ۲۵ درصد سهام). نتیجه به ویژه برای شرکت های دارنده ضعف کنترل با اهمیت با مالکیت بالای سهام مدیریتی قوی است (یعنی جایی که مدیران بیش از ۲۵ درصد سهام شرکتها را دارند). تجزیه و تحلیل های اضافی بیشتر نشان می دهد که این

۳- روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت توصیفی از نوع تحقیقات همبستگی است که در این نوع پژوهش محقق به دنبال ارزیابی ارتباط بین دو یا چند متغیر است. فرضیه‌های تحقیق بر اساس تکنیک آماری داده‌های ترکیبی آزمون خواهند شد. در این پژوهش از روش‌های کمی تجزیه و تحلیل آماری استفاده خواهد شد که شامل تجزیه و تحلیل رگرسیونی است. مدل رگرسیونی مورد استفاده نیز از نوع رگرسیون خطی می‌باشد. برای تحلیل و آزمون فرضیه‌های پژوهش از آماره t استفاده می‌شود. همچنین برای معنادار بودن مدل رگرسیونی و ضرایب از آزمون F فیشر و آزمون t استفاده می‌شود.

جامعه‌ی آماری این تحقیق، کلیه‌ی شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. جمع آوری و مطالعه مجموعه‌ی جامعی از داده‌ها مربوط به موضوع تحقیق، در عمل بسیار مشکل و گاهی غیرممکن است. لذا به دلیل محدودیت زمان، منابع و امکانات و بعضاً عدم دسترسی به اطلاعات کامل، به ناچار بخشی از داده‌های مزبور را که در

مجموعه‌های به نام نمونه گردآوری میشوند، استفاده میکنیم. جامعه آماری این پژوهش شامل شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران میباشد. ولی از آنجایی که حجم جامعه آماری زیاد بوده و هم چنین وجود برخی ناهمگنیها و عدم وجود اطلاعات در دسترس در بین شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران موجب گردید تا از بین جامعه آماری نمونه ای انتخاب گردد، که طریقه محاسبه حجم نمونه و انتخاب شرکتهای نمونه در زیر ارائه شده است.

در این پژوهش برای جمع آوری داده‌ها و اطلاعات، ابتدا از روش کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. در بخش کتابخانه‌ای، مبانی نظری پژوهش از مقالات، کتب و مجله‌های تخصصی فارسی و لاتین جمع آوری شد. سپس داده‌های پژوهش، از طریق جمع آوری داده‌های شرکت‌های منتخب با مراجعه به صورت‌های مالی حسابرسی شده، گزارش سالیانه هیأت مدیره به مجمع، گزارش فعالیت شرکت، ماهنامه بورس اوراق بهادار و سایت کدال و با استفاده از نرم افزار ره آورد نوین انجام شده است. به منظور آزمون فرضیه‌ها از آزمون رگرسیون logit استفاده خواهد شد.

جدول (۱) جامعه آماری تحقیق

تعداد	شرح
۴۸۷	تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در پایان سال
۵۸	تعداد شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها منتهی به ۱۳/۲۹ نیست (بعد از حذف شرکت‌های مشترک با موارد زیر)
۱۰۳	تعداد شرکت‌هایی که به دلایل مختلف اعم از ورود به بورس، اطلاعات مالی آن‌ها ناقص است (بعد از حذف شرکت‌های مشترک با موارد زیر)
105	تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی از بورس خارج شده‌اند
63	تعداد شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی و بانک‌ها
59	تعداد شرکت‌های دارای وقفه بیش از شش ماه متوالی در یک سال
98	تعداد شرکت‌های مورد مطالعه

۳-۱- تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق

در این مطالعه جهت استخراج مدل از مطالعه زید علی کیانی و همکاران (۲۰۱۹) استفاده شده است.

$$MAO_{it} = \alpha_0 + \beta_1 \text{boardsize}_{it} + \beta_2 \text{OUTSIDE}_{it} + \beta_3 \text{EXPERT}_{it} + \beta_4 \text{AUDTFEES}_{it} + \beta_5 \text{AUDSIZE}_{it} + \beta_6 \text{Nonbound}_{it} + \beta_7 \text{SIZE}_{it} + \beta_8 \text{LEV}_{it} + e_{it}$$

۳-۲- متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته:

MAO = یک اگر شرکتی نظر حسابرسی تعدیل شده را کسب کرده باشد و در غیر این صورت صفر می‌باشد.
متغیرهای مستقل:

$boardsize$ = نسبت سهام تمام مدیران در هیئت مدیره در شرکت.

$OUTSIDE$: سهم مدیران غیر اجرایی (غیر موظف) در هیئت مدیره.

$EXPERT$: سهم مجموع مدیران داخلی (منظور از مدیران داخلی حسابداران عمومی، کارشناسان مالیات و مدیران داخلی با تجربه در امور مالی یا مدیران حسابداری در هیئت مدیره می‌باشد).

$AUDTFEES$ = حق الزحمه حسابرسی، برابر است با لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی.

$Nonbound$ = درصد اعضای غیر موظف هیئت مدیره در شرکت

متغیرهای کنترلی:

AUDSIZE = اندازه شرکت حسابرسی، اگر حسابرسی توسط سازمان حسابرسی انجام شود برابر است با عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر است
 SIZE = اندازه شرکت: اندازه شرکت که به صورت میزان فروش محاسبه می شود.

LEV = اهرم مالی شرکت: نسبت کل بدهیهای بلند مدت به کل داراییها.

مدل رگرسیون لاجیت یکی از مدل های رگرسیونی است که از تابع سیگموئیدی برای تمیز یا تشخیص دو یا چند گروه متمایز از هم استفاده می کند. در این مدل فرض می شود که احتمال عدم بازپرداخت از تابع توزیع لجستیک پیروی می نماید. در رگرسیون لاجیت از مفهوم بخت برای مقدار متغیر وابسته استفاده می شود. در اصطلاح آماری بخت به معنی نسبت احتمال وقوع یک حادثه (p_i) بر احتمال عدم وقوع ($1 - p_i$) آن است. احتمال بین ۰ و ۱ تغییر می کند در حالی که بخت ممکن است بیش از یک باشد. رگرسیون لاجیت به صورت زیر تعریف می گردد:

$$z_i = \ln\left(\frac{P_i}{1 - P_i}\right) = \beta_0 + \sum_{i=1}^n \beta_i X_i$$

در معادله فوق، \ln بیانگر لگاریتم طبیعی است. در مدل رگرسیون لاجیت، احتمال وقوع حادثه مورد نظر (احتمال کاهش قیمت نفت ایران از میانگین آن) براساس رابطه زیر که یک تابع لاجیت است، محاسبه می گردد.

$$P_i = \pi_i(x_1, x_2, \dots, x_k) = \frac{e^{\beta_0 + \sum_{i=1}^k \beta_i x_i}}{1 + e^{\beta_0 + \sum_{i=1}^k \beta_i x_i}}$$

۳-۳- یافته های پژوهش

در این بخش سعی بر این شده است با توجه به مبانی نظری توضیح داده شده و مطالعات صورت گرفته پیشین، در ابتدا به

صورت خلاصه متغیرها و مدل معرفی، سپس با بکار گیری داده های از سازمان بورس اوراق بهادار طی سالهای ۹۶-۱۳۹۰ به صورت سالانه به آزمون فرضیه ها پرداخته شود. در جدول شماره (۲) خلاصه متغیرهای آرایه شده و علامت اختصاری و همچنین چگونگی اندازه آنها آورده شده است.

خلاصه وضعیت آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق پس از غربالگری و حذف داده های پرت ارائه شده است. در جدول (۲) مشخصات آماری میانگین، میانه، حداکثر، حداقل، انحراف معیار هر متغیر آورده شده است. در صورتی که متغیرهای تحقیق با مقیاس نسبتی و پیوسته باشند از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی همبستگی بین آنها استفاده می شود.

در جدول ۳ مقدار همبستگی بین هر جفت متغیر با استفاده از روش پیرسون تخمین زده شده است که به منظور همبستگی بین متغیرهای پژوهش به صورت دو به دو بررسی گردید. علامت منفی به دست آمده برای همبستگی نیز نشان می دهنده دهد که رابطه بین دو متغیر مذکور معکوس می باشد و اگر قدر مطلق همبستگی بین متغیرهای پژوهش، کمتر از 0.7 باشد بنابراین میتوان بیان کرد که بین متغیرهای مذکور همخطی شدید وجود ندارد.

یکی از مفروضات دیگر مدل رگرسیون خطی وجود ناهمسانی واریانس جملات پسماند می باشد به طور متعارف در داده های سری زمانی و داده های مقطعی ممکن است واریانس جملات پسماند ثابت نبوده و از مقادیر وقفه دار جملات پسماند تبعیت نماید. در این صورت مشکل ناهمسانی واریانس بین جملات پسماند بروز می کند که برآورد روش ols نتایج اشتباهی در پارامترها ایجاد می کند و جهت رفع این مشکل از روش حداقل مربعات تعمیم یافته GLS استفاده می شود جهت بررسی ناهمسانی از آزمون بروش پاگان استفاده می شود. نتایج ارائه شده به شرح جدول ۵ ذیل است.

جدول (۲) آماره های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف استاندارد	کشیدگی	چولگی
AUDSIZE	0.2	0.0	1.0	0.0	0.4	1.5	3.3
AUDTFEES	6.6	6.5	9.4	2.9	1.0	0.3	2.4
BOARDSIZE	0.6	0.6	1.0	0.0	0.3	-0.8	3.4
EXPERT	0.1	0.1	0.8	0.0	0.1	3.1	14.8
LEV	0.7	0.6	5.6	0.1	0.4	5.9	56.0
LNSIZE	13.6	13.6	19.2	10.0	1.5	0.5	3.7
MAO	0.6	1.0	1.0	0.0	0.5	-0.4	1.1
NONBOUND	0.6	0.6	1.0	0.0	0.2	-0.8	3.7
OUTSIDE	0.1	0.0	0.8	0.0	0.1	4.0	26.2

جدول (۳) ضرایب همبستگی بین متغیرهای تحقیق

	AUDSIZE	AUDTFEES	BOARDSIZE	EXPERT	LEV	LNSIZE	MAO	NONBOUND	OUTSIDE
AUDSIZE	1	0.44	0.03	0.08	-0.01	0.42	0.02	-0.16	-0.08
AUDTFEES		1.00	-0.17	0.00	0.00	0.69	-0.03	-0.11	-0.03
BOARDSIZE			1.00	0.00	-0.07	-0.22	-0.04	0.07	-0.02
EXPERT				1.00	0.18	-0.06	-0.11	-0.03	0.03
LEV					1.00	-0.11	0.06	-0.32	0.03
LNSIZE						1.00	0.02	-0.16	0.04
MAO							1.00	-0.02	0.08
NONBOUND								1.00	-0.05
OUTSIDE									1.00

5 درصد رد نمی شود و می توان برای برآورد مدل از روش داده-های تابلویی استفاده نمود. در ادامه با بهره گیری از آزمون هاسمن به انتخاب روش مناسب از بین روش با اثرات ثابت و تصادفی برای برآورد مدل پرداخته می شود. نتایج آزمون هاسمن در جدول زیر گزارش شده است: فرضیه صفر و مقابل آزمون هاسمن به صورت زیر می باشد.

بین اجزای پسماند و متغیرهای توضیحی همبستگی $H_0 = (RE)$ وجود ندارد (روش اثرات تصادفی)

بین اجزای پسماند و متغیرهای توضیحی همبستگی $H_1 = (FE)$ وجود دارد (روش اثرات ثابت)

بر اساس نتایج آزمون هاسمن ملاحظه می شود که فرضیه صفر به نفع فرضیه مقابل رد می شود. بنابراین روشی که برای تخمین تابع مورد نظر ما انتخاب می شود، روش FE می باشد.

جدول (۸). نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب روش مناسب

مدلها	مقدار آماره کای-دو	ارزش احتمال
مدل ۱	۱۸/۴۵	۰/۰۰۰

نتایج جدول فوق نشان می دهد که فرضیه صفر مبنی بر انتخاب روش با اثرات تصادفی برای تخمین مدل در سطح معنی دار 5 درصد رد شده و لذا برای برآورد مدل ها می توان از روش با اثرات ثابت استفاده نمود.

در این قسمت با توجه به اینکه نتایج تخمین مدل به روش با اثرات ثابت می باشد که به برآورد مدل فرضیه ها پرداخته می شود. در ادامه به برآورد الگوها پرداخته شد و این الگوها مبنای تحلیل ها در این مطالعه قرار گرفت. همچنین الگوها از نظر ثابت نیز مورد آزمون قرار گرفتند. بطوریکه با حذف یک یا چند متغیر از الگوها تغییری در سایر متغیرها از نظر علامت و معنی داری به وجود نیامد و این امر عدم شکننده بودن الگوها و با ثباتی آنها را تایید می کند. برای بررسی وجود یا عدم وجود همخطی در

همانطور که در جدول ۵ نیز قابل مشاهده است، نتایج آزمون بروش پاگان نشان دهنده این است که مدل های مورد بررسی فرضیه های تحقیق دارای سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد می باشند و در نتیجه فرض صفر مبنی بر همسانی واریانس پذیرفته می شود و از مدل رگرسیون OLS جهت برآورد مدل های فرضیه ها استفاده می شود.

جدول (۵) نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

مدلها	آماره آزمون	سطح معنی داری
مدل 1	2.8	.30

در تخمین مدل به روش داده های تابلویی لازم است ابتدا با استفاده از آزمون F لیمر معنی دار بودن روش داده های تابلویی در مقابل رگرسیون تجمیعی آزمون شود. نتایج آزمون F لیمر به صورت جدول زیر می باشد. با توجه به اینکه مقدار آماره آزمون F بسیار بالاست و بیشتر از کمیت بحرانی می باشد (همچنین مقدار ارزش احتمال نیز کمتر از ۵٪ می باشد) بنابراین فرضیه صفر را به نفع فرضیه مقابل مبنی بر اینکه استفاده از روش FE مناسب است رد می کنیم. و از روش داده های تابلویی استفاده می شود.

جدول (۷). نتایج آزمون F لیمر برای آزمون معنی دار بودن

روش داده های تابلویی

مدلها	مقدار آماره F	ارزش احتمال
مدل ۱	۹.۰	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته های تحقیق

نتایج آزمون F لیمر بیانگر این است که یکسان بودن عرض از مبدأ برای تمامی شرکت های مورد مطالعه در سطح معنی دار

آماره $LM2$ در الگوی برازش شده برابر با $4/6$ است و از آن جا که ارزش احتمال (P-value) این آماره برابر با $0/23$ می باشد فرض وجود واریانس همسانی در مدل پذیرفته می شود (Whister, 1999). برای بررسی معنی داری کلی رگرسیون برآورد شده از آماره نسبت راستنمایی $1(LR)$ استفاده شد. مقدار آماره نسبت راستنمایی (LR) در درجه آزادی 7 برابر با 29 می باشد که در سطح یک درصد معنادار می باشد، لذا کل الگوی برآوردی از لحاظ آماری در سطح 1 درصد معنی دار می باشد. مقدار ضریب تعیین مک فادن 2 برابر با 64 درصد می باشد که برای الگوی لوجیت برآورد شده با توجه به تعداد مشاهدات متغیر وابسته، رقم مطلوبی می باشد. به عبارت دیگر متغیرهای توضیحی 62 درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می دهند. مقدار درصد پیش بینی صحیح به دست آمده در این الگو 79 درصد می باشد و از آنجا که مقدار قابل قبول درصد پیش بینی صحیح برای الگوهای لوجیت و پروبیت برابر با 70 درصد می باشد لذا الگوی فوق قابل اطمینان برای تجزیه و تحلیل های بعدی است.

مدل های برآورد شده از آنالیز تجزیه واریانس استفاده گردید. نتایج حاصل از این آزمون نشان داد که بین متغیرهای توضیحی به کار گرفته شده در مدل هیچگونه همخطی وجود ندارد. برای بررسی وجود یا عدم وجود ناهمسانی واریانس در الگوهای لوجیت از روش LM استفاده شد که نتایج مبنی بر عدم وجود ناهمسانی می باشد. آماره هایی که در قسمت پایین جدول درج شده است، قدرت توضیح دهندگی الگوها را نشان می دهد. علاوه بر R^2 های بدست آمده از الگوهای لوجیت که اثر متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته نشان می دهند. در این تحقیق به دلیل صفر و یک بودن متغیر وابسته از مدل لاجیت استفاده شد.

$$MAO_{it} = \alpha_0 + \beta_1 boardsize_{it} + \beta_2 OUTSIDE_{it} + \beta_3 EXPERT_{it} + \beta_4 AUDTFEES_{it} + \beta_5 AUDSIZE_{it} + \beta_6 Nonbound_{it} + \beta_7 SIZE_{it} + \beta_8 LEV_{it} + e_{it}$$

برای بررسی وجود یا عدم وجود ناهمسانی واریانس در الگوهای لوجیت از آماره ای تحت عنوان $LM2$ استفاده می کنند. مقدار

جدول (9) مدل برآوردی

Prob.	z-Statistic	Std. Error	Coefficient	Variable
0.0793	1.754716	0.207490	0.364086	AUDSIZE
0.0343	2.116763	0.099985	0.211645	AUDTFEES
0.0333	2.008375	0.293811	0.496272	BOARDSIZE
0.0002	3.676260	0.732566	2.693105	EXPERT
0.4390	0.773870	0.321406	0.248726	NONBOUND
0.0269	2.213586	0.955015	2.114008	OUTSIDE
0.2383	1.179245	0.070841	0.083539	LNSIZE
0.0115	2.525983	0.197582	0.499088	LEV
0.6749	0.419478	0.903234	0.378887	C
			0.625207	McFadden R-squared
			29.38895	LR statistic
			0.000271	Prob(LR statistic)
860	Total obs	355	Obs with Dep=0	
		505	Obs with Dep=1	

مأخذ: یافته های تحقیق

با توجه به مدل برآوردی سهم مدیران غیر اجرایی (غیر موظف) در هیئت مدیره با ضریب تاثیر 2.1 با سطح معنی داری 0.02 درصد تاثیر معنادار دارد بنابراین فرضیه دوم تایید می شود.

فرضیه اول

سهم مدیران غیر اجرایی (غیر موظف) در هیئت مدیره در اظهار نظر اصلاح شده حسابرس در شرکت های پذیرفته شده بورس تهران تاثیر معنادار دارد.

²- Mc Fadden R-SQUARE

¹- Likelihood Ratio

فرضیه دوم

سهام مجموع مدیران داخلی در اظهار نظر اصلاح شده حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده بورس تهران تاثیر معنادار دارد. با توجه به مدل برآوردی سهام مجموع مدیران داخلی در هیئت مدیره با ضریب تاثیر ۲.۶ با سطح معنی داری ۰.۰۰۰ درصد تاثیر معنادار دارد بنابراین فرضیه سوم تایید می شود.

فرضیه سوم

حق الزحمه حسابرسی در اظهار نظر اصلاح شده حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده بورس تهران تاثیر معنادار دارد. با توجه به مدل برآوردی حق الزحمه حسابرسی با ضریب تاثیر ۰.۲ با سطح معنی داری ۰.۰۰۳ درصد تاثیر معنادار دارد.

وجود کمیته حسابرسی علاوه بر ارتقاء سطح کیفی مکانیزم حاکمیت شرکتی می‌تواند باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی شود. سان و همکاران (۲۰۱۴). براین اساس، تمرکز این مقاله بر عوامل مالکیت سازمانی است که روی کمیته حسابرسی یک سازمان تاثیر گذار است، از آنجا که کمیته حسابرسی یکی از عوامل کلیدی موفقیت شرکتها در محیط پر رقابت کنونی است، نظام حسابداری و شخصیت سازمانی شرکتها باید بگونه ای باشد که سیستمهای اطلاعاتی شرکت را در جهت ارائه اطلاعات با کیفیت سوق دهد. بررسی نوشتارهای موجود در زمینه ساختار مالکیت و کمیته حسابرسی، نشان دهنده وجود خلاء تحقیقاتی درخصوص تاثیر عوامل مالکیت سازمانی بر کمیته حسابرسی است. بنابراین مطالعه حاضر، تحقیقی است در جهت آرایه الگویی درخصوص ویژگی های کمیته حسابرسی با توجه به اثر برخی از مهمترین عواملی که سازنده شخصیت یک سازمان هستند (زید علی کیانی و همکاران، ۲۰۱۹).

بر اساس فرضیه همگرایی سهامداران با مدیران دارای منافع مشترک (همسو) هستند یعنی احتمال دارد که مدیران در جهت منافع شخصی خود و رفتار های فرصت طلبانه نباشند و در جهت به حداکثر رساندن ارزش موسسه حرکت نمایند. و بر اساس فرضیه سنگربندی، زمانی که مدیران کنترل بخش قابل توجهی از سهام شرکت را در دست داشته باشند، ممکن است در جهت حداکثرسازی منافع خویش باشند و در جهت به حداکثر رساندن ارزش شرکت نباشند بنابراین احتمال خطر حسابرسی مربوط به مشتری برای حسابرس بوجود می آید. رفتارهایی نظیر تعیین پاداش و حقوق بالا برای خود، استخدام خویشان و نزدیکان با مزایای قابل توجه و یا فراهم کردن مقدمات یک زندگی مجلل که می‌تواند لطمه جدی به اهداف شرکت وارد نماید. (یوان و همکاران، ۲۰۱۹). نتیجه پژوهش‌های بسیاری حاکی از این است که حق الزحمه حرفه‌ای مناسب و نه الزاماً زیاد، باعث

افزایش اعتماد حسابرس و متقاضی حسابرسی خواهد شد و از طرف دیگر می‌توان انتظار داشت که هر چه کیفیت سود بالاتر باشد، به معنی، اعمال نظارت های بیشتر و سطح سلامت گزارشگری بالاتر است و در نتیجه حسابرسی به‌عنوان یک سازوکار نظارتی، مستلزم صرف منابع کمتری است. مهمترین پیشنهادهای مبتنی بر نتایج این تحقیق عبارتند از:

با توجه به یافته های پژوهش می توان پیشنهاد داد که، نسبت سهام تمام مدیران در هیئت مدیره در اظهار نظر اصلاح شده حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده بورس تهران تاثیر معنادار دارد. بنابراین در سیاستگذاری بایستی مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به یافته های پژوهش می توان پیشنهاد داد که، سهم مدیران غیر اجرایی (غیر موظف) در هیئت مدیره در اظهار نظر اصلاح شده حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده بورس تهران تاثیر معنادار دارد. بنابراین در سیاستگذاری بایستی مورد توجه قرار گیرد. با توجه به یافته های پژوهش می توان پیشنهاد داد که، سهم مجموع مدیران داخلی در اظهار نظر اصلاح شده حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده بورس تهران تاثیر معنادار دارد. بنابراین در سیاستگذاری بایستی مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به یافته های پژوهش می توان پیشنهاد داد که، حق الزحمه حسابرسی در اظهار نظر اصلاح شده حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده بورس تهران تاثیر معنادار دارد. بنابراین در سیاستگذاری بایستی مورد توجه قرار گیرد.

۳-۴- نتیجه‌گیری کلی

با استفاده از داده های جمع آوری شده از نمونه آماری تحقیق که شامل ۹۸ شرکت پذیرفته شده در بورس در دوره زمانی ۱۴۰۰-۱۳۹۰ می باشد، فرضیه های تحقیق مورد آزمون قرار می گیرند. روش آزمون فرضیات در مطالعه حاضر روش داده های پانل می باشد. بخش عمده‌ای از اطلاعات مربوط به صورت‌های مالی از نرم افزار «ره‌آوردنوبین» و بخش دیگری از اطلاعات نیز از دیتابیس شرکت «تدبیر پرداز» استخراج گردیده و همچنین به منظور آزمون فرضیه ها از روش داده های پانلی نامتوازن استفاده شده است با بهره گیری از نرم افزارهای Eviews9 مورد آزمون قرار گرفتند.

در قسمت آمار توصیفی به ویژگیهای جامعه آماری و نمونه آماری پرداخته شد. در این قسمت به بررسی برخی مشخصات از جمله میانگین، میان، حداقل، حداکثر و انحراف معیار پرداخته شد.

مک فادن و مقدار درصد پیش بینی صحیح به دست آمده مورد قبول بودند.

فهرست منابع

ابراهیمی کردلر، علی، اعرابی، محمد جواد (۱۳۸۹) تمرکز مالکیت و کیفیت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله پژوهشهای حسابداری مالی، سال دوم، شماره دوم، شماره پیاپی (۴)، صص ۹۵-۱۱۰.

استا، سهراب (۱۳۹۰) بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود، مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی (۸)، صص ۹۳-۱۰۶.

اشرف زاده، حمیدرضا و نادر مهرگان (۱۳۸۷) اقتصادسنجی پانل دیتا، تهران: نشر مؤسسه تحقیقات تعاون دانشگاه تهران. احدی سرکانی، سید یوسف، نوری فرد، یدالله، پوربرات، فریده (۱۳۸۹) تاثیر پذیر عملکرد قیمتی سهام از ساختار مالکیت در طول بحران بازار سرمایه، پژوهشگر، شماره ویژه

احمدپور، احمد، منتظری، هادی (۱۳۹۰) نوع مدیریت سود و تاثیر اندازه شرکت، ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی بر آن، پیشرفت های حسابداری دوره سوم، شماره ۲ (پیاپی ۳/۶۱)، صص ۱-۳۵.

اعتمادی، حسین، بابا جانی، جعفر، آذر، عادل، دیانتي دیلمی، زهرا (۱۳۸۸) تاثیر فرهنگ سازمانی، تمرکز مالکیت و ساختار مالکیت بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۸۵-۵۹. اسدی، غلامحسین، محمدی، شاپور، خرم، اسماعیل (۱۳۹۰) رابطه بین ساختار سرمایه و ساختار مالکیت، مجله دانش حسابداری / سال دوم / شماره ۴، صص ۲۹-۴۸.

بابایی زکلیگی محمدعلی، ژيلا احمدوند، (۱۳۸۷) بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران، مجله تحقیقات مالی، شماره ۲۶، صص ۴۱-۶۰.

برادران حسن زاده، رسول، تقی زاده، هوشنگ، رضایی، عباس (۱۳۹۰) بررسی تاثیر ترکیب سهامداران بر محتوای اطلاعاتی سود حسابداری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش های

از آنجایی که داده های مورد استفاده در این تحقیق از نوع داده های ثانویه و کمی است که از سایت های وابسته به سازمان بورس اوراق بهادار گردآوری شده و طبق استاندارد های آن سازمان تهیه گردیده اند، از اینرو روایی آن ها مورد تأیید است. برای سنجش مانایی (ایستایی) داده های ترکیبی از آزمون های ریشه واحد ویژه داده های ترکیبی استفاده می شود. قبل از تخمین مدل لازم به ذکر است که به دلیل اندک بودن دوره زمانی مورد بررسی (۱۰ سال) از آزمون های ریشه واحد در داده های تابلویی برای اطمینان از پایایی متغیرها استفاده نمی شود. مقدار همبستگی بین هر جفت متغیر با استفاده از روش پیرسون تخمین زده شده است می توان بیان کرد که بین متغیرهای مذکور همخطی شدید وجود ندارد.

نتایج آزمون بروش پاگان برای وجود ناهمسانی واریانس نشان دهنده این است مدل مورد بررسی فرضیه تحقیق دارای سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد می باشد و در نتیجه فرض صفر مبنی بر همسانی واریانس قبول می شود و از مدل رگرسیون OLS جهت برآورد مدل های فرضیه ها استفاده می شود. در تخمین مدل به روش داده های تابلویی لازم است ابتدا با استفاده از آزمون F لیمر معنی دار بودن روش داده های تابلویی در مقابل رگرسیون تجمیعی آزمون شود. با توجه به اینکه مقدار آماره آزمون F بسیار بالاست (۹) و بیشتر از کمیت بحرانی می باشد (همچنین مقدار ارزش احتمال نیز کمتر از ۵٪ می باشد) بنابراین فرضیه صفر را به نفع فرضیه مقابل مبنی بر اینکه استفاده از روش FE مناسب است رد می کنیم. همچنین نتایج آزمون F لیمر بیانگر این است که یکسان بودن عرض از مبدأ برای تمامی شرکت های مورد مطالعه در سطح معنی دار ۵ درصد رد شده و می توان برای برآورد مدل از روش داده های تابلویی استفاده نمود. در ادامه با بهره گیری از آزمون هاسمن به انتخاب روش مناسب از بین روش با اثرات ثابت و تصادفی برای برآورد مدل پرداخته می شود. بر اساس نتایج آزمون هاسمن ملاحظه می شود که فرضیه صفر به نفع فرضیه مقابل رد می شود. بنابراین روشی که برای تخمین تابع مورد نظر ما انتخاب می شود، روش FE می باشد. در این تحقیق به دلیل صفر و یک بودن متغیر وابسته از مدل لاجیت استفاده شد.

برای بررسی وجود یا عدم وجود ناهمسانی واریانس در الگو- های لوجیت از آماره ای تحت عنوان $LM2$ استفاده می کنند. برای بررسی معنی داری کلی رگرسیون برآورد شده از آماره نسبت راستمایی^۱ (LR) استفاده شد. مقدار ضریب تعیین

¹- Likelihood Ratio

- نمازی، محمد، حلاج، محمد و شهلا ابراهیمی (۱۳۸۸) "تأثیر مالکیت نهادی بر عملکرد مالی گذشته و آتی، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶ شماره ۵۸، صص ۱۳۰-۱۳۸.
- نمازی، محمد، کرمانی، احسان (۱۳۸۷) "تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره: ۱۵، شماره: ۴، صص ۸۳-۱۰۰.
- Peterson, Kitakogelu Ozili; Olayink, Uadiale. (2017). Ownership concentration and bank profitability. *Future Business Journal*. Volume 3, Issue 2, December 2017, Pages 159-171
- Bing, Li; Changhong, Li; Zhenyu, Wu; (2018). Ownership structure in Japanese banking industry: Evolution and effects. *Finance Research Letters*. Volume 25, June 2018, Pages 154-159
- Anh-Tuan, Doan; Kun-Li, Lin; Shuh-Chyi, Doong; (2018). What drives bank efficiency? The interaction of bank income diversification and ownership. *International Review of Economics & Finance* Volume 55, May 2018, Pages 203-219
- Hennie. and Brajovic Bratonovic, Sonja.(2000). Analyzing Banking Risk. In *The World Bank*
- Abdelsalam, O; EL-Masry, A, and Elsegini, S. (2008). Board Composition, Ownership structure and dividend policies in an emerging Market. *Journal of Managerial Finance*. Vol. 34, No. 12, pp. 953-964.
- Akimova, I, & Schwodiauer, G (2004), "Ownership Structure, Corporate Governance and Enterprise Performance: Empirical Results for Ukraine", *International Advances In Economic Research Journal*, Volume 10.
- Almazan, A., Hartzell, J., Starks, L.T (2005). Active institutional shareholders and cost of monitoring: Evidence from managerial compensation. Working paper, University of Texas at Austin.
- Anlin Chen & Lanfeng Kao.(2005)."The conflict between agency theory and corporate control on managerial ownership: The evidence from Taiwan IPO performance". *International Journal of business*, 10(1)
- Bhattacharya, P. & M. A. Graham (2009), "Institutional Ownership Structure and Corporate Performance: A Disaggregated View", *Journal of Multinational Financial Management*, Vol. 19, PP. 370-394.
- Balsam S, Bartov E, Marquardt C.(2000). Accruals management, investor sophistication, and equity valuation: Evidence from 10Q filings. Working paper;
- Christensen, P. O., Feltham.G. A. (2005). "Performance Evaluation", *Economics of Accounting*: Vol. 2, pp. 265-271.
- Pushner, George Michael(1993) Ownership structure and corporate performance in the US and Japan, Columbia Univ., Diss
- Rajgopal S, Venkatachalam M, Jiambalvo J. (2002). Is institutional ownership associated with earnings حسابداری مالی، سال سوم- شماره ی دوم- شماره ی پیاپی ۸، صص ۱۲۴-۱۰۷
- حساس یگانه، یحیی، اسکندر، هدی و محمد مرادی (۱۳۸۷) بررسی رابطه سرمایه گذاران نهادی و ارزش شرکت، بررسی های حسابداری و حسابرسی، صص ۱۸۷-۱۲۲.
- حنیفه زاده، لطیف (۱۳۸۹) ساختار مالکیت و کارایی شرکت های بیمه در ایران، صنعت بیمه سال بیست و پنجم، شماره ۲
- رضایی، فرزین، عیدان ترکزاده، خدیجه، نصیری، ناصر (۱۳۹۰) بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر سیاست تقسیم سود شرکتها در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بورس اوراق بهادار شماره ۱۶ سال چهارم، صص ۷۹-۹۹.
- ستایش، محمد حسین، کاظم نژاد، مصطفی (۱۳۸۹) بررسی تأثیر ساختار مالکیت و ترکیب هیئت مدیره بر سیاست تقسیم سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله دانش حسابداری، سال اول، شماره ۱، صفحات ۲۹-۵۱
- کاظمی، حسین، محمدنژاد، عاطفه (۱۳۹۰) بررسی رابطه بین مالکیت نهادی با عدم تقارن اطلاعاتی و عملکرد مالی شرکتها، فصلنامه پژوهش های تجربی حسابداری مالی، سال اول، شماره دوم، صص ۱۱۰-۱۲۸.
- مهدوی، غلامحسین، نمازی، نویدرضا (۱۳۹۱) به کارگیری تئوری نمایندگی جهت تبیین فساد مالی، مجموعه مقالات همایش ملی حسابداری و حسابرسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- مهرانی، ساسان، مرادی، محمد، اسکندر، هدی (۱۳۸۹) رابطه نوع مالکیت نهادی و حسابداری محافظه کارانه، مجله پژوهش های حسابداری مالی سال دوم، شماره اول، شماره پیاپی (۳)، صص ۴۷-۶۲.
- محمدی، شاپور، قالیباف اصل، حسن، مشکی، مهدی (۱۳۸۸) بررسی اثر ساختار مالکیت (تمرکز و ترکیب) بر بازدهی و ارزش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات مالی، دوره ۱۱، شماره ۲۸، صص ۶۹-۸۸.
- مهدوی، ابوالقاسم، میدری، احمد (۱۳۸۴) ساختار مالکیت و کارایی شرکت های فعال در بازار اوراق بهادار تهران، تحقیقات اقتصادی شماره ۷۱
- نمازی، محمد (۱۳۸۴) بررسی کاربردهای تئوری نمایندگی در حسابداری مدیریت، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۴۳، صفحات ۱۶۴-۱۴۷

- management and the extent to which stock prices reflect future earnings? Working paper, Stanford University ;
- Rubin, A (2007), "Ownership Level, Ownership Concentration and Liquidity", *Journal of Financial Markets*, Volume 10.
- Sanchez Ballesta, J & Garsia Meca, E(2007), "A Meta-Analytic Vision of the Effect of Ownership Structure on Firm Performance", University of Murcia, Accounting and Finance Department.
- Stouraitis, A, and Wu, L. (2004). The Impact of Ownership Structure on the Dividend Policy of Japanese Firms with Free Cash Flow Problem. Working paper. [Online]. www.ssrn.com.
- Wang, X., L. C. Xu, and T. Zhu. 2004. State-Owned Enterprises Going Public: The Case of China.
- Wright, Peter, Mukherji, Ananda, Kroll, Mark J. (2001), "A Reexamination of Agency Theory Assumptions: Extensions and Extrapolations", *Journal of Socio-Economics*, No 30, pp 413-429.
- Thomsen, S. & T. Pedersen (2000), "Ownership Structure and Performance in the Largest European Companies", *Journal of Strategic Management*, Vol. 21, PP. 689-705.
- Zulehner, C. & et al (2003), "The Effects of Mergers an International Comparison", *International Journal of Industrial Organization*, PP. 625-657.



Accounting Knowledge & Management Auditing

Vol. 14/ No. 56/ Winter 2024

Investigating the impact of audit fees and managers' contributions on the auditor's revised opinion In accepted companies of Tehran Stock Exchange

Farzad Khodabakhshi

M.A Student in Accounting, Department of Accounting, Aligudarz Branch , Islamic Azad University, Aligudarz , Iran
Email: Farzadkhodabakhshi1300@gmail.com

Amir Masoud Jahani

Assistant Professor ,Department of Accounting, khorramabad Branch , Islamic Azad University, khorramabad , Iran
(Corresponding Author)
Email: amir.jahani65@yahoo.com

Abstract

The purpose of this research is to investigate the effect of ownership characteristics on the auditor's modified opinion in companies admitted to the Tehran Stock Exchange. To achieve this goal, the companies admitted to the Tehran Stock Exchange were considered as the statistical population. Among the existing companies, 98 companies whose information was available during the period of 1390 to 1400 were selected as the final sample and analyzed. The method of data collection was documents and data collection tools were information companies of Tehran Stock Exchange.

In order to analyze the data, Blodgit regression model and Eviews software were used. The obtained results are indicative according to the estimated model of the share ratio of all directors in the board of directors with an impact factor of 0.49, the share of non-executive (non-executive) directors in the board of directors with an impact factor of 2.1, the total share of internal directors in the board of directors with an impact factor of 2.6, Audit fees with an impact factor of 0.2 have a significant impact with a significance level of less than 5%.

Keywords: Keywords: ownership characteristics, modified auditor's opinion, listed companies of Tehran Stock Exchange, panel data.